

تحلیلی بر طب اسلامی متداول

دکتر سیدغدیر هاشمی کاشانی

گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

به کسانی که سلامت جامعه برایشان مهم است، نکاتی تقدیم می‌نمایم:

۱ - عقل حکم می‌کند بر این که زمانی می‌توان به روایات معصومین^(ع) اعتماد و استناد نمود که قطعی‌الصدور و قطعی‌الدلالة باشند به این معنا که حتماً باید مطمئن باشیم که حدیث را امام معصوم^(ع) گفته و این که منظور کلامشان را درست فهمیده‌ایم و مادامی که به این یقین و اطمینان نرسیده باشیم، تمام روایات جزء احتمالات (ظنون یا خبر واحد) تلقی شده و پیروی از احتمالات (اتباع‌از ظن) عندالله نیز مذموم و ممنوع است.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ و اگر از بیشتر کسانی که در زمین می‌باشند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کنند آنان جز از گمان [خود] پیروی نمی‌کنند و جز به حدس و تخمین نمی‌پردازند (انعام/۱۱۶).

و هم‌چنین توصیه الهی به سخن گفتن و رفتار نمودن بر پایه علم و دانش یقین می‌باشد و از انجام هر کاری که بدان علم و تخصص نداریم، نهی شده‌ایم. همان‌طور که در قرآن کریم می‌فرماید: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ و چیزی را که بدان

مدتی است که طب اسلامی بر مبنای روایات پزشکی، در زمینه درمان، فعالیت روزافزونی آغاز کرده و میان برخی از حوزویان و دیگر افراد جامعه نیز علاقه‌مندانی پیدا کرده است. هم‌چنین تألیفاتی در این موضوع نگاشته شده و دوره‌های مختلف آموزشی در سطوح مختلف حتی کرسی‌های درس خارج طب اسلامی هم برقرار شده است.

محتوای این دروس ذکر خواص اطعمه، اشربه و توصیه‌های تغذیه‌ای و درمانی است که در قالب روایات معصومین^(ع) آمده است و انتساب این مطالب به امامان معصوم^(ع) سبب تقدس این توصیه‌ها شده و مردم به آن اعتماد ویژه‌ای پیدا نموده‌اند.

علاقه‌مندان به معارف اهل بیت^(ع) و برخی از دانش‌آموختگان علوم حوزوی، با حضور در این دوره‌های کوتاه‌مدت و یا بلندمدت آموزشی و هم‌چنین اخذ گواهی مربوط، گاهی به بیماران توصیه‌های پزشکی نیز می‌نمایند.

این که چه کاستی‌هایی در وضعیت درمان، وجود دارد که بیماران به روش‌های دیگر، از جمله طب اسلامی روی آورده‌اند، یک موضوع بسیار مهم است و نیاز به آسیب‌شناسی دقیق دارد که در این مجال به آن پرداخته نمی‌شود. اما این نوشتار پیرامون طب اسلامی متداول کنونی سوای مسایل حاشیه‌ای آن،

که این احادیث، بر چند گونه‌اند: برخی از آن‌ها با نظر به آب و هوای مکه و مدینه گفته شده‌اند و به کار بستن آن‌ها در دیگر شرایط آب و هوایی، درست نیست؛ در برخی، معصوم^(ع) بر پایه آن چه از حال و طبع سؤال کننده می‌دانسته، پاسخ داده و از همان موضع، فراتر نرفته است؛ چه این که امام، بیش از آن شخص به طبع وی آگاهی داشته است؛ برخی را نیز مخالفان، با هدف زشت نمایاندن چهره مذهب در نگاه مردم در میان احادیث گنجانده‌اند؛ در برخی، اشتباهی از راوی حدیث، سر زده است؛ در برخی از آن‌ها فقط بخشی از حدیث حفظ شده و بخش دیگر، فراموش شده است...» (الاعتقادات، صدوق، ص ۱۱۵).

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا اکنون بررسی‌های مدنظر این محدث بزرگ اسلامی در احادیث طبی تدریس شده مورد توجه قرار می‌گیرد؟ آیا دقت‌های لازم که چند نمونه از آن در ذیل می‌آید، مورد توجه واقع گردیده؟ مواردی از قبیل سؤالات ذیل:

❖ آیا خوردن انگور دانه‌دار با توصیه به خوردن دانه آن، برای کسانی که در روده بزرگ دچار ضعف در گوارش هستند، مجاز است.

❖ آیا خوردن روغن دنبه برای کسانی که دچار ناراحتی تنفسی می‌باشد، جایز است؟

❖ آیا به خانم بارداری که ضعف در سیستم تنفسی دارد، می‌توان خوردن به را توصیه نمود؟

❖ آیا خوردن کندر برای زن بارداری که فولیک اسید مصرف می‌کند مجاز است؟ و یا چه اندازه و در چه دوره‌ای از بارداری خوردن کندر توصیه شده؟

❖ آیا گیاهی که در منطقه صدور روایت در

علم نداری دنبال مکن (الإسراء/۳۶).
با مطالعه اسناد رجالی روایات، به غیر از تعداد انگشت شماری از آن‌ها که قطعی‌الصدور (خبر متواتر) بوده، مابقیشان ظنی‌الصدور (خبر واحد) می‌باشند و اکنون هیچ راهی برای قطع به صدور آن‌ها وجود ندارد. البته، در این شرایط فقهاء به شرط وجود قرائن مطمئن و ملاحظات دیگر که در حوصله این نوشتار نیست، مجوز استفاده از روایات ظنی‌الصدور را عموماً در زمان عدم دسترسی به امام معصوم^(ع) صادر می‌نمایند. توضیح این که اگر برای رسیدن به واقعیت هیچ راهی وجود نداشته باشد و ناچار به انجام کاری باشیم، عقل حکم می‌کند که به صورت موقتی از احتمالات استفاده شود به طور مثال، اگر در انتخاب مسیر در یک چهارراه مردد بودیم و هیچ راهی برای رسیدن به یک انتخاب مطمئن وجود نداشته باشد و الزاماً باید حرکت را ادامه دهیم، عقل حکم می‌کند که مسیری را انتخاب کنیم که احتمال درستی آن بیشتر از مسیرهای دیگر باشد.

اما در زمینه طب، معمولاً راه‌های دیگری برای دستیابی به درمان وجود دارد و مجبور نیستیم که حتماً از روایات استفاده کنیم. بنابراین، هیچ توجیهی برای استناد به این دسته از اخبار ظنی‌الصدور وجود ندارد.

۲- برخی از عالمان دین عمل کردن به احادیث طبی را به دلیل داشتن شرایط خاص خود، منوط به بررسی‌های ویژه‌ای نموده‌اند.

شیخ صدوق^(ع) که از بهترین محدثان می‌باشد، این گونه می‌گوید:

«عقیده ما درباره اخبار و احادیث طبی آن است

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اخذ هرگونه وجهی از بیمار بابت نسخه دادن در صورت عدم یقین به آن چه در نسخه گفته شده، از لحاظ شرعی و عرفی چه جایگاهی دارد و استفاده از آن اموال نمی‌تواند مشکل شرعی داشته باشد؟ البته، نگارنده در صلاحیت افتاء نبوده و باید از مراجع معزز دینی استفتاء نمود.

۵ - توصیه به بیمار جهت خرید دارو و امید دادن به بیمار که درمانش در استفاده از آن داروها می‌باشد و متحمل کردن بیمار به پرداخت هزینه‌های دارو نیز می‌تواند مانند مورد فوق، اشکال شرعی داشته باشد.

۶ - انجام هر کاری که سبب تضعیف دیانت مردم شود و اعتقادات دینی را سست کند از گناهان بزرگ بوده و تمامی عالمان دینی نسبت به آن موضع‌گیری‌های شدید گرفته‌اند.

انتساب توصیه‌های درمانی به اسلام و معصومین^(ع) در صورت عدم درمان، بی‌شک تأثیر نامطلوبی در دینداری و اعتقادات مردم خواهد گذاشت. بنابراین، باید دقت داشت که در قالب طبابت اسلامی نباید مرتکب این خطای بزرگ شد.

۷ - با توجه به احترام و تقدس ویژه‌ای که در میان مردم به اهل بیت^(ع) وجود دارد، باید در استفاده از نام ایشان^(ع) ملاحظه بیشتری داشت. گویا برخی از داروهای ارایه شده، به نام‌های مقدس اهل بیت^(ع) نیز نام‌گذاری شده است. گویا دستورالعمل ساخت آن را، امام معصوم^(ع) داده است. باید توجه داشت که انتساب دارویی خاص به یکی از معصومین^(ع) به استناد یک خبر ظنی الصدور، شایسته نمی‌باشد و در صورت عدم آفاقه بر درمان می‌تواند سبب تزلزل

آن زمان رشد می‌کرده همان خواص گیاهی را که اکنون در دسترس بیمار است، دارد؟ مثلاً سیر همدان و گیلان مانند سیر مصرفی حجاز است و یا خرماي مدینه با خرماي ایران دارای ویژگی‌های مشترک هستند.

﴿ آیا اطعمه، اشربه و ادویه‌ای که در روایت ذکر شده با مشابه آن در زمان کنونی در خصوصیات، ویژگی‌ها و دستور تهیه، یکسان هستند؟

﴿ نمک مصرفی زمان امامان معصوم^(ع) با نمک کنونی مانند هم می‌باشند.

﴿ آیا طبیعت مزاجی مردم حجاز در آن زمان با طبیعت مزاجی اکنون ایرانیان مانند هم می‌باشد؟

۳ - در شرع مقدس اسلام هرگونه آسیب رساندن به دیگران حرام است. چه مستقیماً سبب آسیب شده باشد و چه دانسته به دلیل دادن اطلاعات غلط، سبب آسیب شده باشد. بنابراین، توصیه‌های پزشکی که بر پایه اطلاعاتی متقن نمی‌باشد، در صورت هرگونه آسیب به افراد سبب ضمان شرعی خواهد شد.

ضمان شرعی نمونه‌ای از حق‌الناس است و یکی از گناهان کبیره می‌باشد و علاوه بر این که در این دنیا باید پاسخگو بود، در آخرت نیز هیچ‌گاه بخشیده نمی‌شود مگر این که صاحب حق راضی گردد.

حال سؤال این است که اگر کسی در قالب طب اسلامی، بدون بررسی‌های دقیق علمی توصیه‌ای به بیماران نمود و ناخواسته سبب آسیب به بیمار شد، تحت ضمانت شرعی قرار نمی‌گیرد؟

۴ - در شرع مقدس اسلام کسب مال باید حلال باشد و حتماً شرایط خاص حلال بودن رعایت شود و کسب مال از راه‌های حرام ممنوع می‌باشد.

حال سؤال این است که با توجه به این که راه درمان هر بیمار متفاوت می‌باشد، آیا در قالب طب اسلامی متداول کنونی این مهم رعایت می‌گردد؟ یا این که بدون اشراف بر احوالات شخصی بیمار یک نسخه واحد قیاس شده و تجویز می‌گردد.

۱۱ - همان‌طور که در رسیدن به مقام اجتهاد و افتاء، حتماً باید حداقل اذن یک مجتهد مسلم وجود داشته باشد. باید در دادن توصیه‌های پزشکی اسلامی و نقل روایات پزشکی نیز اذن یک متخصص مسلم وجود داشته باشد که بعید است اکنون تمام کسانی که در طبابت اسلامی فعالیت دارند، از آن بهره‌مند باشند.

البته، لازم به ذکر است که پیشوایان معصوم^(ع) قطعاً با اذن الهی توان درمانگری و صلاحیت دادن توصیه‌های پزشکی و بهداشتی را دارند و گاهی آن را نیز اعمال نموده‌اند، چرا که آنان به علم الهی مستظهر می‌باشند. لکن لازم است که توجه داشت با وجود پذیرش این نسخه‌های شفا بخش، آیا هر کس توان تقلید از نسخه‌های معصومین^(ع) را دارد؟ یا باید حتماً دارای علم و مهارت‌های مربوط و لازم و مورد تأیید عالمان برجسته را داشته باشد. با التفات به موارد فوق در راستای حفظ صحت و سلامت دین و دنیای مردم همان‌طور که بزرگان دینی نیز توصیه نمودند، شایسته است که عالمان طب و دانشمندان دینی در بررسی طب اسلامی ورود دقیق و هوشمندانه داشته باشند، تا در عین حفظ میراث گرانبهای روایات اهل بیت^(ع)، مقابل آسیب‌های وارد شده، تدبیری اندیشمندانه اتخاذ نمایند.

ایمان مردم و وهن مقدسات دینی گردد.

۸ - سوء استفاده از اعتماد دیگران عملی قبیح و دور از انصاف بوده و نوعی خیانت تلقی می‌گردد. به نظر می‌آید که بیماران اگر متوجه شوند که این توصیه پزشکی به یقین از معصومین^(ع) صادر نشده و در حد گمان است و یا مدلول آن الزاماً آن‌چه مطرح شده، نیست، حاضر به انجام آن نخواهند بود. بنابراین، در راستای احترام به حسن اعتماد دیگران لازم است که حتماً درجه اعتبار روایات پزشکی به مراجعه‌کننده، اعلام گردد. تا اگر تمایل داشت به این روش درمانی ادامه دهد. آیا اکنون کسانی که به طب اسلامی مشغول می‌باشند، به آن روایات ظنی‌الصدور، یقین دارند؟ و آیا اگر یقین ندارند، به بیماران این عدم یقین را اعلام می‌کنند.

۹ - نکته بسیار مهم این است که بر فرض پاسخ‌گویی به تمام شبهات فوق، آیا در یک دوره کوتاه‌مدت، می‌توان تمام ظرایف و لطایف و قوانین حاکم بر بدن و محیط پیرامونی مؤثر در حالات بدن را آموخت؟ و فراتر از آن، این که می‌توان به صورت عملی آن علوم گسترده را در بیماران تشخیص داد؟ به گواهی تمام عالمان در فن طبابت، کسب این احاطه علمی در زمان‌های کوتاه آموزشی که اکنون دایر است، ناممکن می‌باشد.

اخیراً نیز عالمان بزرگ دینی نسبت به معضل درمانگری غیرمتخصصان توجه کرده و تذکر داده‌اند.

۱۰ - یکی از اصول حاکم بر طبابت این است که هر شخص بیمار، می‌تواند نسخه خاص خود را داشته باشد. بنابراین، به جهت درمان، الزاماً باید به طبیب حاذق مراجعه نمود تا او با بررسی تمام شرایط بیمار و جوانب درمانی اقدام به تجویز نسخه نماید.